

تعریف تورم در اقتصاد امروز و چگونگی استفاده از آن در رشد تولید با توجه به سوابق جهانی و منویات

مقام معظم رهبری

دکتر سید محمود اسلامی، فرشید آرامجو

چکیده.

در این مقاله تلاش شده چرایی رشد اقتصاد های آسیایی در زیر سایه تورم را مشخص کنیم و خط فکری مقام معظم رهبری از سیاست گذاری اقتصادی ایران را بهتر درک کنیم

تورم در حقیقت و تعریف کلی افزایش قیمت ها در یک دوره زمانی معین است. تورم معمولاً یک معیار گسترده دارد ، مانند افزایش کلی قیمت ها یا افزایش هزینه های زندگی در یک کشور. اما همچنین میتوان آن را محدودتر محاسبه کرد.

در حقیقت تورم اصلی همیشه بر مصرف کننده نهایی تاثیر بیشتر را میگذارد زیرا روندهای اساسی و پایدار تورم با استثنا کردن قیمت های تعیین شده توسط دولت و قیمت های بی ثبات تر محصولات، مانند غذا و انرژی، که بیشتر تحت تأثیر عوامل فصلی یا شرایط عرضه موقت هستند، تمرکز میکند. تورم اصلی نیز توسط سیاستگذاران به دقت رصد می شود زیرا اثر منفی بر رفاه جمعی دارد .

در کشور هایی با تورم به میزان ثابت و یا تورم افزایشی این موضوع به وضوح قابل رویت است . وقتی در کشوری همه ساله در برهه هایی خاص قیمت کالا یا خدمات افزایش میابد این اثر روانی شکل میگیرد که این افزایش قیمت همیشگی و ثابت است . برای مثال در کشوری همه ساله در ماهی خاص قیمت مسکن به دلایل کمبود مصالح افزایش میابد . بعد از گذشت چند سال مشکل کمبود منابع در آن زمان خاص رفع میشود اما باز شاهد افزایش قیمت در آن زمان هستیم زیرا عملاً به یک عرف روانی تبدیل شده و قیمت بدون هیچ دلیلی بالا میرود و این افزایش به نوعی سنت یا عادت و رویه ی اقتصادی تبدیل شده است

با توجه به تعاریفات گسترده و بررسی تورم و شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد های دنیا و توضیح چرایی عدم توفیق اقتصادی کشور ایران بهتر است با ارائه ی راهکار هایی در راستای اهداف شکوهمند ایران اسلامی و رهنمون های مقام معظم رهبری قدم برداشته و نقشه ی راه رفع مشکل عظیم اقتصادی کشور را ترسیم نماییم .

در شرایط تورمی کالای ساخت داخل هر آنچه که باشد برای دیگر کشورها مرغوبیت دارد. با افزایش تولید به راحتی میتوان بازار کار مناسب را فراهم کرد. دانشگاه گلاسکو اسکاتلند در مقاله ای در سال ۲۰۱۱ بیان کرده است کشوری که تورم در آن بالای ۲۰ درصد است عملاً نرخ بیکاری آن باید صفر باشد زیرا افزایش تولید و بکارگیری نیروی کار در آن اجتناب ناپذیر است زیرا درخواست کالا و گردش پول خارجی در آن این امر را میسر میکند.

در ایران اما این با توجه به تاکید رهبر معظم انقلاب به تولید این امر میسر نمیشود و نرخ تعسیر ارز حاصل از صادرات نفتی و غیر نفتی بجای هزینه شدن در تولید و اشتغال به واردات کالای دیگر اختصاص داده میشود و همین امر تورم را تشدید میکند زیرا خروج سرمایه از یک سو جریان دارد و گردش پولی صورت نمیگیرد. این موضوع که رهبر معظم انقلاب به آن تاکید میکند دقیقاً در همین جهت است زیرا تورم خواسته یا ناخواسته در کشور وجود دارد در این شرایط حداقل میتوان از تولید و اشتغال بهره برد و روند رشد تورم را هم با جلوگیری از خروج ارز کند کرد. در ابتدا باید تمامی کالاهای وارداتی را طبقه بندی کرد و از واردات کالای بی جهت جلوگیری نمود و اگر نیازی نیز به واردات بود از کشوری این واردات انجام شود که علاقه مند به تهاتر کالا است.

کلمات کلیدی: تورم - اقتصاد - تولید - اشتغال - صادرات - منویات

مقدمه

تورم چیست

در زبان و تعریف عام تورم را علم سنجش گرانی و افزایش و یا کاهش قیمت مجموعه هایی از کالاها و خدمات در یک دوره معین، معمولاً یک سال، و یا کمتر می‌شناسند

تورم شاید یکی از آشنا ترین کلمات در اقتصاد جهان باشد که کشورها را در دوره های طولانی به بی ثباتی فرو برده است. بانک داران مرکزی اغلب آرزو دارند که به عنوان "شاهین تورم" شناخته شوند. (شاهین به علت شیرجه هایش به سوی زمین برای شکار معروف است . سقوطی از اوج آسمان به سمت زمین . در اروپا و امریکا سقوط نمودار رشد تورم را به حرکت شاهینی تشبیه میکنند)

سال هاست سیاستمداران در سراسر جهان با وعده های مبارزه با تورم در انتخابات پیروز میشوند، اما پس از شکست در انجام این کار، قدرت را از دست داده و کنار میروند .

تورم حتی توسط رئیس جمهور ایالات متحده امریکا جرال د فورد در سال ۱۹۷۴ دشمن عمومی شماره یک اعلام شد .

این سوالی بود که ذهن هر شهروندی در هر نوع حکومت و نگرشی را به خود مجذوب کرد .

تورم چیست و چرا اینقدر مهم است؟

تورم در حقیقت و تعریف کلی افزایش قیمت ها در یک دوره زمانی معین است. تورم معمولاً یک معیار گسترده دارد ، مانند افزایش کلی قیمت ها یا افزایش هزینه های زندگی در یک کشور. اما همچنین میتوان آن را محدودتر محاسبه کرد - برای مثال برای کالاهای خاص، مانند غذا، یا برای خدمات، مانند کوتاه کردن مو. شرایط هر چه که باشد، تورم نشان میدهد که مجموعه کالاها و/یا خدمات مربوطه در یک دوره معین، معمولاً در یک سال، چقدر گرانتتر شده است.

اندازه گیری تورم

میزان دقیق هزینه زندگی مصرف کنندگان به قیمت بسیاری از کالاها و خدمات و سهم هر یک در بودجه خانوار بستگی دارد. برای اندازه گیری هزینه های زندگی متوسط مصرف کننده، سازمان های دولتی پیشتر از نظرسنجی هایی از خانوارها برای شناسایی سبدهای اقلام رایج خریداری شده و پیگیری هزینه های خرید این سبد در طول زمان انجام میدادند (هزینه های مسکن، از جمله اجاره و رهن، بزرگترین جزء سبد مصرف کننده در جهان را تشکیل می دهد). هزینه این سبد در یک زمان معین که نسبت به سال پایه بیان می شود، شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) که به شکل درصد نمود دارد. تغییر در CPI در یک دوره معین، نرخ قیمت تورم مصرف کننده است، که پرکاربردترین معیار برای سنجش تورم است. (به عنوان مثال، اگر CPI سال پایه ۱۰۰ و CPI فعلی ۱۱۰ باشد، تورم در طول دوره ۱۰ درصد است).

در حقیقت تورم اصلی همیشه بر مصرف کننده نهایی تاثیر بیشتر را میگذارد زیرا روندهای اساسی و پایدار تورم با استثنا کردن قیمت های تعیین شده توسط دولت و قیمت های بی ثبات تر محصولات، مانند غذا و انرژی، که بیشتر تحت تاثیر عوامل فصلی یا شرایط عرضه موقت هستند، تمرکز میکند. تورم اصلی نیز توسط سیاستگذاران به دقت رصد می شود زیرا اثر منفی بر رفاه جمعی دارد.

در محاسبه نرخ تورم کلی برای یک کشور و نه فقط برای مصرف کنندگان بلکه به شاخصی با پوشش گسترده تر مانند کاهش دهنده تولید ناخالص داخلی نیاز است.

در بیان ساده تر تورم بر مصرف کننده نهایی تاثیر بیشتری دارد اما این تاثیر به صورت زنجیر وار بر تولید کننده هم تاثیر منفی خود را خواهد داشت.

سبب cpi

این سبب در بر گیرنده ی قیمت همه ی اقلام معیشتی و مورد نیاز یک خانوار برای زندگی در مدت زمانی معین است . اما به منظور سنجش قوی و درست تورم نیاز است این سبب با مصارف جدید همخوانی پیدا کند و قدم به قدم تکنولوژی و تغییر مصرف پیش برود .

برای مثال در ۳۰ سال گذشته اینترنت در سبب مصرف و هزینه های خانوار جایگاهی نداشت اما امروزی بخشی از هزینه ها را شامل میشود و عدم سنجش تغییر قیمت و اثر هزینه ای آن باعث عدم سنجش دقیق تورم میگردد .

اگرچه سبب CPI عمدتاً برای ثبات در طول زمان ثابت نگه داشته می شود، اما گهگاه نیاز است به منظور منعکس کردن الگوهای مصرف در حال تغییر این سبب هم به روز شود

به مرور زمان این سبب با گنجاندن کالاهای جدید با فناوری پیشرفته و جایگزینی اقلامی که دیگر به طور گسترده خریداری نمی شوند، اصلاح می شود.

این سبب از هزینه هایی که مردم به طور ناخواسته و ناملموس پرداخت میکنند هم تاثیر میپذیرد زیرا دولت ها با هزینه کردن در منابعی باعث تزریق ثروت در برخی صنایع شده و رشد کلی نرخ سبب را افزایش میدهند . مانند خرید صنایع نظامی برای تجهیز نیروی پلیس که باعث انتقال ثروت به بخشی خاص از صنعت میشود . دولت ها تلاش میکنند با پخش چنین هزینه هایی در صنایع مختلف از بروز تورم جلوگیری کنند اما در حقیقت این نوع هزینه هم با درصدی هرچند کم باید در محاسبه ی نرخ سبب معیشت محاسبه گردد. به هر حال امنیت و صنایع آن نیز مصرف کننده ی نهایی دارد که آن مردم اند . علاوه بر صنایع نظامی دیگر هزینه های عام المنفعه نیز چنین قانونی را شامل میشوند مانند هزینه ی دولت در ساخت و ساز و انبوه سازی که ثروت را به سمت این گروه خاص سوق داده و سبب خانوار بدون حتی اگر در آن نقشی نداشته باشد از آن تاثیر میپذیرد .

تورم از خلق ثروت به وجود میاید حال در سبب نهایی خانوار باشد یا نباشد این خلق انجام شده است و تاثیر در جوامع مختلف دارد .

درآمد واقعی و معیشت جامعه در راستای کنترل تورم

در مبحث کنترل تورم و حذف اثر آن بر سبب خانوار صادقانه باید گفت تا زمانی که درآمد اسمی خانوارها که به صورت پول جاری دریافت می کنند، به اندازه قیمت ها افزایش پیدا نکند، وضعیت مناسبی در برابر تورم و افزایش قیمت حاصل از آن ندارند، زیرا توانایی خرید کمتری نسبت به قبل دارند.

به عبارت دیگر، قدرت خرید یا درآمد واقعی - با تورم تعدیل شده - کاهش می یابد.

درآمد واقعی معیاری برای استاندارد زندگی است. زمانی که درآمد واقعی افزایش می یابد، سطح زندگی نیز افزایش می یابد و بالعکس. در واقع قیمت ها با سرعت های متفاوتی تغییر می کنند. برخی، مانند قیمت کالاهای معامله شده، هر روز تغییر می کنند. برخی دیگر، مانند دستمزدهای تعیین شده توسط قراردادهای، تنظیم بیشتر طول می کشد (یا در اصطلاح اقتصادی «چسبنده» هستند). در یک محیط تورمی، افزایش نابرابر قیمت ها به ناچار قدرت خرید برخی از مصرف کنندگان را کاهش می دهد و این فرسایش درآمد واقعی بزرگترین هزینه تورم است.

چسبندگی قیمت

در موقعیت تورمی و رشد افسار گسیخته. قیمت ها با سرعت های متفاوتی تغییر می کنند. برخی، مانند قیمت کالاهای معامله شده، هر روز تغییر می کنند. برخی دیگر، مانند دستمزدهای تعیین شده توسط قراردادهای، تنظیم بیشتر طول می کشد (یا در اصطلاح اقتصادی «چسبنده» هستند). در یک محیط تورمی، افزایش نابرابر قیمت ها به ناچار قدرت خرید برخی از مصرف کنندگان را کاهش می دهد و این فرسایش درآمد واقعی بزرگترین هزینه تورم است. برای مثال در کشوری به طور میانگین ۱۰ درصد تورم بر سبد خانوار تحمیل میشود اما درآمد متوسط خانوار در آن سال تنها ۷ درصد افزایش را نشان میدهد که این تفاوت باعث ضربه به معیشت خانوار میشود اما موضوع از آنجایی قابل تامل میشود که تولید کننده کالا و خدمات پا به پای افزایش ها و تکانه ها تورمی نرخ خود را به روز میکنند اما هزینه ی اصلاح درآمد خانوار و نرخ افزایش درآمد آنان چسبندگی دارد و هر ساله در مواقع خاص این نرخ افزایش میاید .

این امر اگرچه برای خانوار مشکل بزرگ است اما تولید کنندگان بزرگ از آن سود هم میبرند چرا که بخشی از هزینه های آنان که همان حقوق و دستمزد کارکنان است دچار چسبندگی است و افزایشی ندارد اما درآمد های آنان به مراتب یا تغییر نکرده یا حتی بیشتر شده . در کشور های اروپایی و امریکایی دولت ها تلاش میکنند صنایع را مجاب کنند به میزان این سود تورمی استخدام نیرو و افزایش تولید داشته باشند تا شاخص فلاکت پایین نگه داشته شود و این سود حاصله در راستای تورم جدید تر هزینه نشود. از طرفی دولت ها تلاش میکنند با افزایش دستمزد به صورت چابک یعنی افزایش دوره ای و هماهنگ با تورم اثر چسبندگی قیمت را از بین ببرند. از آن جهت به این اصل تورمی چسبندگی قیمت میگویند زیرا درآمد حاصل برای خانوار عملاً همان قیمت و هزینه ایست که دولت ها و صنایع برای نیروی کار خود ماهانه پرداخت میکنند .

مزیت و ضرر چسبندگی قیمت

تورم همچنین می تواند قدرت خرید را در طول زمان برای دریافت کنندگان و پرداخت کنندگان نرخ های بهره ثابت مخدوش کند. برای مثال مستمري بگيران بازنشسته که سالانه ۵ درصد افزایش ثابت دریافت می کنند را نظر بگیرید. اگر تورم بالاتر از ۵ درصد باشد، قدرت خرید بازنشستگان کاهش می یابد.

از سوی دیگر، وام گیرنده ای که وام مسکن با نرخ ثابت ۵ درصد می پردازد، از تورم ۵ درصدی سود می برد، زیرا نرخ بهره واقعی (نرخ اسمی منهای نرخ تورم) صفر خواهد بود. تا زمانی که درآمد وام گیرنده با تورم مطابقت داشته باشد، اگر تورم بالاتر بود، پرداخت این بدهی آسان تر خواهد بود. برای همین در کشور هایی با تورم بالا درخواست برای وام بیشتر است و بانک ها نرخ بهره را بالا میبرند زیرا دریافت مبلغ کلانی پول در زمان حال و بازگرداندن حتی دوبرابر آن به صورت قطره ای سود خاص به خود را دارد .

البته درآمد واقعی وام دهنده (بانک ها) آسیب می بیند و تلاش میکنند مبالغ اعطای وام را به مرور محدود کرده و یا بحره ها سنگین اعمال کنند زیرا ارزش پول در زمان حال از ارزش آن در آینده به مراتب خیلی بیشتر است .

به طور کلی در جوامع تورم زده تا جایی که تورم در نرخ های بهره اسمی لحاظ نشود، برخی از مردم افزایش قدرت خرید دارند و برخی قدرت خرید خود را از دست می دهند. بستگی دارد در مسیر رشد تورمی به چه شکل توانسته اند ارزش پول خود را حفظ کنند .

مضرات کاهش ناگهانی تورم

اگرچه تورم بالا به اقتصاد آسیب می زند، اما کاهش ناگهانی تورم یا کاهش قیمت ها بدون در نظر گرفتن قیمت تمام شده ی کالا یا خدمات نیز مطلوب نیست.

هنگامی که قیمت ها کاهش می یابد، مصرف کنندگان در صورت امکان خرید را به تاخیر می اندازند و قیمت های پایین تر را در آینده پیش بینی می کنند.

برای اقتصاد این به معنای فعالیت اقتصادی کمتر، درآمد کمتر تولیدکنندگان و رشد اقتصادی کمتر است. ژاپن یکی از کشورهایی است که دوره طولانی تقریباً بدون رشد اقتصادی، عمدتاً به دلیل کاهش تورم است. جلوگیری از کاهش تورم در طول بحران مالی جهانی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، یکی از دلایلی بود که فدرال رزرو ایالات متحده و سایر بانک های مرکزی در سراسر جهان نرخ بهره را برای مدت طولانی پایین نگه داشتند و سیاست های پولی دیگری را برای اطمینان از نقدینگی فراوان سیستم های مالی اعمال کردند.

یعنی این دسته از کشور ها سیاست تورم زایی در پیش گرفته اند و با هر ابزاری تلاش میکنند قیمت ها را در سرراشایی به سمت بالا قرار دهند تا رقابت و افزایش تولید حاصل شود . چنین سیاستی کاملاً با سکون و نگهداری پول مخالف است و در مراتب خیلی شدید تر به پول های راکد جرمه نیز اعمال میشود . برای مثال در کره جنوبی و ژاپن در صورت نگهداری مدت دار پول در بانک باید جرمه ای پرداخت کنید . در حالی که در کشور های تورم زده به پول شما در بانک سود نیز تعلق میگیرد . بنابر این در کشور هایی با سیاست انبساطی نگهداری پول ضرر است و باید پول به گردش درآید .

هدف گذاری تورمی

اکثر اقتصاددانان اکنون بر این باورند که تورم پایین، با ثبات و مهم تر از همه قابل پیشبینی برای اقتصاد خوب است. اگر تورم پایین و قابل پیشبینی باشد، جذب آن در قراردادهای تعدیل قیمت و نرخ های بهره آسان تر است و تأثیر تحریفی آن کاهش مییابد. علاوه بر این،

دانستن این موضوع که قیمت‌ها در آینده اندکی بالاتر خواهند بود، به مصرف‌کنندگان انگیزه می‌دهد که زودتر خرید کنند، که باعث افزایش فعالیت اقتصادی می‌شود. بسیاری از بانک‌های مرکزی هدف اصلی سیاست خود را حفظ تورم پایین و باثبات قرار داده‌اند، سیاستی که هدف گذاری تورمی نامیده می‌شود.

چه چیزی باعث ایجاد تورم می‌شود؟

دوره‌های طولانی مدت تورم بالا اغلب نتیجه سیاست پولی سست است. اگر عرضه پول نسبت به اندازه یک اقتصاد بیش از حد بزرگ شود، ارزش واحد پول کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، قدرت خرید آن کاهش می‌یابد و قیمت‌ها افزایش می‌یابد. این رابطه بین عرضه پول و اندازه اقتصاد را نظریه کمیت پول می‌نامند و یکی از قدیمی‌ترین فرضیه‌های علم اقتصاد است.

فشار بر طرف عرضه یا تقاضای اقتصاد نیز می‌تواند تورم را باشد. شوک‌های عرضه که تولید را مختل می‌کند، مانند بلایای طبیعی، یا هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد، مانند قیمت‌های بالای نفت، می‌تواند عرضه کلی را کاهش داده و منجر به تورم «هزینه‌ای» شود که در آن انگیزه افزایش قیمت‌ها از اختلال در عرضه ناشی می‌شود. تورم مواد غذایی و سوخت در سال ۲۰۰۸ چنین موردی برای اقتصاد جهانی بود - افزایش شدید قیمت مواد غذایی و سوخت از طریق تجارت از کشوری به کشور دیگر منتقل شد. برعکس، شوک‌های تقاضا، مانند افزایش بازار سهام، یا سیاست‌های انبساطی، مانند زمانی که بانک مرکزی نرخ بهره را کاهش می‌دهد یا دولت هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، می‌تواند به طور موقت تقاضای کلی و رشد اقتصادی را تقویت کند. با این حال، اگر این افزایش تقاضا از ظرفیت تولید اقتصاد فراتر رود، فشار حاصله بر منابع در تورم «کشش تقاضا» منعکس می‌شود. سیاستگذاران باید تعادل مناسبی بین افزایش تقاضا و رشد در صورت نیاز بدون تحریک بیش از حد اقتصاد و ایجاد تورم پیدا کنند.

تورم انتظاری (اینرسی)

انتظارات نیز نقش اساسی در تعیین تورم دارند. اگر مردم یا شرکت‌ها قیمت‌های بالاتری را پیش‌بینی کنند، این انتظارات را در مذاکرات دستمزد و تعدیل قیمت قراردادی (مانند افزایش خودکار اجاره بها) ایجاد می‌کنند. این رفتار تا حدی تورم دوره بعدی را تعیین می‌کند. هنگامی که قراردادها اجرا می‌شوند و دستمزدها یا قیمت‌ها طبق توافق افزایش می‌یابد، انتظارات به خود تحقق می‌یابند. و تا جایی که مردم انتظارات خود را بر اساس گذشته نزدیک قرار دهند، تورم در طول زمان از الگوهای مشابهی پیروی می‌کند و در نتیجه اینرسی تورم ایجاد می‌شود.



پنجمین همایش ملی مدیریت دانش و کسب و کارهای الکترونیکی با رویکرد
اقتصاد دانش بنیان و هوشمندسازی
۱۹ و ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۲. مؤسسه آموزش عالی فردوس

5th National Conference Of knowledge Management & E-business
with The Approach Of Knowledge-based Economy And Intelligentization Mashhad2023
11, 12 October 2023 Ferdows Institute Of Higher Education

نحوه برخورد سیاستگذاران با تورم

مجموعه صحیح سیاست های ضد تورم، آنهایی که با هدف کاهش تورم انجام می شود، به علل تورم بستگی دارد. اگر اقتصاد بیش از حد گرم شده باشد، بانک های مرکزی - اگر متعهد به تضمین ثبات قیمت ها باشند - میتوانند سیاستهای انقباضی را اجرا کنند که معمولاً با افزایش نرخ های بهره، تقاضای کل را مهار میکند. برخی از بانک های مرکزی، با درجات مختلف موفقیت، انضباط پولی را از طریق تعیین نرخ مبادله - گر زدن ارزش پول خود به ارز دیگر و در نتیجه سیاست پولی خود با ارز یک کشور دیگر، تحمیل کرده اند. با این حال، وقتی تورم ناشی از تحولات جهانی و نه داخلی باشد، چنین سیاست هایی ممکن است کمکی نکنند. در سال ۲۰۰۸، زمانی که تورم در سراسر جهان به دلیل قیمت های بالای مواد غذایی و سوخت افزایش یافت، بسیاری از کشورها اجازه دادند که قیمت های جهانی بالا به اقتصاد داخلی منتقل شود. در برخی موارد، دولت ممکن است مستقیماً قیمت ها را تعیین کند. چنین اقدامات اداری تعیین قیمت معمولاً منجر به جمع آوری صورتحساب های یارانه ای بزرگ توسط دولت برای جبران درآمد از دست رفته تولیدکنندگان میشود.

بانک های مرکزی به طور فزاینده ای بر توانایی خود برای تأثیرگذاری بر انتظارات تورمی به عنوان ابزاری برای کاهش تورم تکیه می کنند. سیاست گذاران قصد خود را برای پایین نگه داشتن موقتی فعالیت اقتصادی برای کاهش تورم اعلام می کنند، به این امید که بر انتظارات و مولفه تورمی داخلی قرارداد ها تأثیر بگذارند. هرچه بانک های مرکزی اعتبار بیشتری داشته باشند، تأثیر اظهارات آنها بر انتظارات تورمی بیشتر است.

چگونه تورم بر نرخ ارز بین دو کشور تأثیر می گذارد؟

نرخ تورم در یک کشور میتواند تأثیر عمده ای بر ارزش پول کشور و نرخ ارز خارجی آن با ارز های دیگر کشورها داشته باشد. با این حال، تورم تنها یک عامل در میان بسیاری از عواملی است که روی نرخ ارز یک کشور تأثیر می گذارد.

به احتمال زیاد تورم به جای اثر مثبت قابل توجه، بر ارزش یک ارز و نرخ ارز خارجی اثر منفی قابل توجهی دارد. نرخ بسیار پایین تورم تضمین کننده نرخ ارز مطلوب برای یک کشور نیست، اما نرخ تورم بسیار بالا به احتمال زیاد بر نرخ ارز کشور با سایر کشورها تأثیر منفی خواهد گذاشت. در ادامه به برخی از عوامل مختلفی که بر ارزش ارز و نرخ ارز تأثیر میگذارند، میپردازیم.

✓ قوی ترین عامل تعیین کننده ارزش و نرخ مبادله پول یک کشور، مطلوبیت درک شده آن ارز است.

- ✓ به طور کلی، وقتی تورم بالا باشد، ارز را ضعیف تر می کند، سرمایه گذاری را سرکوب می کند و در نتیجه بر نرخ ارز تأثیر منفی می گذارد. وقتی تورم پایین است، یک ارز قوی تر است و نرخ ارز آن را بهبود می بخشد.
- ✓ عوامل دیگری مانند رشد اقتصادی، تراز تجاری (که نشان دهنده سطح تقاضا برای کالاها و خدمات کشور است)، نرخ بهره و سطح بدهی کشور، همگی بر ارزش یک ارز معین تأثیر می گذارند.

مطلوبیت و ایمنی

تعیین نهایی ارزش و نرخ مبادله پول یک کشور، مطلوبیت درک شده برای نگهداری پول آن کشور است. این تصور تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل اقتصادی، مانند ثبات دولت و اقتصاد یک کشور است. اولین ملاحظات سرمایه گذاران در رابطه با ارز، قبل از هر سودی که ممکن است متوجه شوند، ایمنی نگهداری دارایی های نقدی در ارز است.

اگر کشوری از نظر سیاسی یا اقتصادی ناپایدار تلقی شود، یا اگر احتمال کاهش ناگهانی ارزش پول یا تغییر دیگری در ارزش پول آن کشور وجود داشته باشد، سرمایه گذاران تمایل دارند از ارز دوری کنند و تمایلی به نگه داشتن آن برای دوره های قابل توجهی ندارند.

آیا نرخ بهره بر نرخ مبادله یک کشور با سایر ارزها تأثیر می گذارد؟

در تئوری، بله. تفاوت نرخ بهره بین کشورها بر نرخ مبادله ارزهای آنها نسبت به یکدیگر تأثیر می گذارد. این به دلیل برابری قدرت خرید (PPP) و برابری نرخ بهره است. برابری بیان می کند که قیمت کالاها باید در همه جا یکسان باشد (قانون یک قیمت) زمانی که نرخ بهره و نرخ تبدیل ارز در نظر گرفته شود. اگر نرخ بهره در کشور A افزایش یابد و در کشور B کاهش یابد، مردم ممکن است بخواهند در کشور وام بدهند. پول و وام در پول کشور B. در اینجا، واحد پول کشور A باید در مقابل کشور B افزایش یابد

آیا تورم نسبی بر نرخ بهره و نرخ ارز تأثیر می گذارد؟

در جواب این سوال باید گفت بله. از آنجایی که تورم را می توان به عنوان کاهش ارزش پول در نظر گرفت، هنگامی که تورم افزایش می یابد، پول در آن اقتصاد نسبت به سایر ارزها کاهش می یابد. در عین حال، بانک مرکزی در کشوری که تورم را تجربه می کند، ممکن است برای کاهش اثر افزایش قیمت ها، نرخ های بهره را افزایش دهد که می تواند ارز را خنثی و تقویت کند.

آیا تورم ارزش ارز را کاهش می دهد؟

به طور کلی، تورم تمایل به کاهش ارزش یک ارز دارد، زیرا تورم را می توان با کاهش قدرت خرید یک ارز برابر دانست. در نتیجه، کشورهایی که تورم بالایی را تجربه می کنند، تمایل دارند که ارزهای خود را نسبت به سایر ارزها ضعیف کنند.

اثر عرضه و تقاضا بر نوسانات قیمت ارز

عرضه و تقاضا در نوسانات شدید نرخ ارز در دنیا اگر تاثیر گذارترین گزینه نباشد جزو مهم ترین گزینه ها هستند. ارز مانند هر کالای مبادله ای در کشور ورودی و خروجی مشخصی ندارد و حتی در بخش مصرف هم نمیتوان آن را خلاصه کرد. امروزه در کشور های آسیایی ارز خارجی به منزله ی سرمایه گذاری و حفظ ارزش پول هم نگهداری و مبادله میشود. از اینرو بسیاری از تحلیل های پیرامون عرضه و تقاضا برای سنجش ارز دقیق به دست نمی آید اما محوریت قیمت ارز با همین عرضه و تقاضاست.

در کشور هایی مانند هند و چین و دولت های خاورمیانه ای بزرگترین وارد کننده و عرضه کننده ارز دولت است زیرا تمام صادرات نفت و نود درصد صادرات آهن و فلزات و ۷۰ درصد صادرات پتروشیمی و صنایع خرد وابسته در دست دولت است. از اینرو دولت است که منبع عظیم ارز به ویژه دلار را در اختیار دارد و باید این نکته را قبول کرد که کسی که چنین منبع بزرگی در اختیار دارد حق قانونی خود میداند که تعیین کننده قیمت باشد و این کاملا درست و منطقی است. در هر چیز که انحصار را شکل دهد چنین اتفاقی طبیعی است. صد البته که چنین انحصار و روش عجیبی فشار را بر مصرف کننده و تقاضا کننده انتقال میدهد و فشار بر مصرف کننده تقاضا را تحت تاثیر قرار میدهد. اما در کمال تعجب شاهد هستیم که بزرگترین مصرف کننده دلار هم دولت است. در آسیا بزرگترین وارد کننده غلات بزرگترین وارد کننده تجهیزات سنگین و نیمه سنگین. بزرگترین وارد کننده دارو و..... دولت است و نوسان قیمت ارز بزرگترین ضربه را به او میزند. از طرفی دولت خود عامل ایجاد نوسان است و از جهتی دیگر خود از این نوسان ضربه میخورد. یعنی هم در نمودار عرضه دولت نقش میزند و هم تقاضا را کنترل میکند.

اما اینکه چرا دولت ها برایش ضرری که از این نوسان سازی میکند اهمیتی ندارد تفسیری جدا دارد.

دولت ها با تبدیل دلار به ارز رایج خود پول رایج کشور را تشکیل میدهد و هرچه دلار نوسان صعودی داشته باشد میزان ریال به دست آمده چشمگیر تر است و دولت مصرف کننده نهایی ارز به حساب نمی آید بلکه مردم کالا و خدمات نهایی را مصرف میکنند و بخشی از این هزینه به آنان منتقل میشود. با تمامی این تفاسیر اما به خوبی میتوان نقش عرضه و تقاضا را در این مبحث دید. هرچه عرضه کم شود تقاضا زیاد میشود و بالعکس.

از طرفی چنین مشکل پیچیده ای را نمیتوان گردن فرد یا سیستمی انداخت از نظر بسیاری از کارشناسان تشکیل چنین سیستم دولتی و بروکرات زده ای به دلیل عدم آموزش صحیح نیروی انسانی و تربیت مدیران کارآمد برای کشور است. ترس نیرو های فعلی در بدنه ی

اقتصاد از تنفیذ مسئولیت به بخش خصوصی و عدم کنترل صحیح منابع ماهیت عرضه و تقاضا را مبهم کرده است و دولت را هم در جایگاه عرضه کننده و هم تقاضا کننده قرار داده است. و فشار تورمی نوسان را به مردم منتقل میکند.

روانشناسی پول و اثر روانی تورم

بخش عمده ی تورم و نوسان ارزش ارز های ملی در بازار زیر چتر روانشناسی پول و اثر روانی پول شکل میگیرد.

در کشور هایی با تورم به میزان ثابت و یا تورم افزایشی این موضوع به وضوح قابل رویت است . وقتی در کشوری همه ساله در برهه هایی خاص قیمت کالا یا خدمات افزایش میابد این اثر روانی شکل میگیرد که این افزایش قیمت همیشگی و ثابت است . برای مثال در کشوری همه ساله در ماهی خاص قیمت مسکن به دلایل کمبود مصالح افزایش میابد . بعد از گذشت چند سال مشکل کمبود منابع در آن زمان خاص رفع میشود اما باز شاهد افزایش قیمت در آن زمان هستیم زیرا عملا به یک عرف روانی تبدیل شده و قیمت بدون هیچ دلیلی بالا میرود و این افزایش به نوعی سنت یا عادت و رویه ی اقتصادی تبدیل شده است و اگر دولت ها حتی طرح های تخفیف مصالح و وام های گوناگون در آن زمان خاص برای خرید مسکن را به مردم ارائه دهند باز اثر روانی تورم باعث افزایش قیمت میشود . این عادت متاسفانه به شیوه ای حیوانی در جوامع بشری در تمام کشور ها گسترده شده است و اثر روانی پول مسیر حرکت تورم را مشخص میکند . از اینرو این شیوه ی حرکت پول را حیوانی مینامند زیرا اثر روانی در حیوانات بیش از انسان ها رشد و نمو دارد . برای مثال شما در زمان غذا دادن به مرغ های یک مرغداری موزیک خاصی پخش کنید بعد از یک مدت بدون گذاشتن غذا آن موزیک را پخش کنید . میبینید که تمام مرغ ها به تکاپو افتاده و بدون اینکه غذایی به آن ها داده شود بی هدف دور ظرف غذا نوک بر زمین میزنند .

و یا شما به شیوه ی قرون وسطی اسب ها را شلاق زده و در حین شلاق زدن موزیک خاصی برایشان پخش کنید بعد از یک مدت بدون شلاق زدن همان موزیک را پخش کنید و مشاهده کنید همان میزان درد میکشند و به خود میپیچند و از صاحب خود تبعیت میکنند بی آنکه شلاقی بخورند . اگرچه قیاس رفتار حیوانی با جوامع انسانی به نظر نادرست و توهین آمیز جلوه کند اما این اثر روانی نیاز و خواست های مختلف است که در بعد روانی میان انسان و حیوان مشترک است و غیر قابل انکار است . اثر روانی حرکت پول و تورم و دیگر واکنش های اقتصادی کاملا در بازار مشهود است و نگرش روانشناسانه به اقتصاد عامل اصلی پیش بینی های اقتصادی است .

چگونگی رسیدن به رشد اقتصادی در شرایط تورمی با توجه به تجربه های جهانی و منویات رهبری در ایران

در دوران سیاه اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد جهان دریافت در عمل توان رقابتی با دلار امریکا و تولید در حد نصف آن نیستند از اینرو عملا با آغوش باز شرایط را پذیرفتند و نگرش حاکم بر اقتصاد جهان را بر مبنای دلار محوری قرار دادند .

با گذر زمان و بعد از در هم شکستن بلوک شرق کشور های پر جمعیت و فقیری مانند هند و چین دریافتند برای ادامه بقای فیزیکی مردمان خود نیاز به تولید اشتغال دارند و اشتغال بیشتر تولید بیشتر را در پی خواهد داشت و تولید بیشتر بدون فروش بیشتر و بازاریابی بیشتر ارزشی ندارد و شکست خواهد خورد . برای فروش بیشتر نیز ناچار اند با کشورهای اروپایی و امریکا وارد رقابت شوند که از همه لحاظ عملکرد بهتری داشته اند و برند های به نامی از هر صنعت در بازار دارند . بنابراین به ناچار به تولید اجناس فیک و درجه سه روی آوردند زیرا اساسا تکنولوژی دقیقی نیز نداشتند اما پیش از شروع به تجارتي جهانی و صادرات گسترده متوجه شدند کالا های آنان با توجه به کیفیت فوق العاده پایین به شکل گسترده قاچاق شده و در کشورهای دیگر اقبال دارد .

در بررسی های انجام شده توسط این کشور ها به این نتیجه رسیدند که ارزش پایین پول ملی و شرایط تورمی حاکم بر جامعه باعث شده کالای آن ها ارزش خرید داشته باشد و چون تورم در حد زیادی مردم را در سختی قرار داده بود از تولید کننده تا پخش کننده نهایی اقبال بیشتری به معاملات خارجی داشتند تا ارز خارجی را در کشور خود تبدیل کنند .

این اتفاق اگرچه چپ و نامعقول به نظر میرسد اما بار صادرات و تبلیغات و بسیاری از تجمّلات بازرگانی را از دولت ها برداشته بود تنها کاری که این دولت ها باید انجام میدادند جلوگیری از قاچاق غیر رسمی و قانونمند کردن صادرات ارزان بود که دست قاچاقچیان را کوتاه کرده و صادرات را بدون عوارض سنگین برای همه آزاد کند.

به مرور شاهد آن بودیم با رشد اقتصاد و افزایش درآمد سرانه در این کشور ها پول ملی آنان رشد پیدا کرد اما در سیاستی جالب خود دولت ها مانع رشد ارزش پول ملی میشدند و در تلاش بودند با ثابت نگه داشتن ارزش پول در همان حالت ضعیف ارزش صادرات را بالا ببرند .

در زمانی که ارزش پول ملی پایین است و تورم در جامعه وجود دارد اقبال به کالای خارجی کم میشود و اگر عوارضی هم روی آن وضع شود اقبال به صفر میرسد و تولید داخل رونق میگیرد .

از طرفی بخاطر ارزش پایین پول صادرات هم رونق میگیرید زیرا با پول ملی کالا ارزان تمام میشود .

این سیاست به حدی به چین کمک اقتصادی کرد که توانست تمام جهان را بازار مصرف خود کند . همه میدانستند کالای چینی ارزش کمتری دارد و عمر پایین تری نسبت به کالای مشابه اروپایی و امریکایی دارد اما مشتاقانه میخریدند زیرا قیمت پایین تمام این کاستی ها را پاسخ میداد.

به حدی که حتی کارخانه جات امریکایی و اروپایی هم به مرور به چین نقب مکان کردند زیرا تولید در آن جا ارزان تر بود و هزینه ی سه کارگر چینی با یک کارگر امریکایی برابری میکرد .

در کشور های میزبان کالای چینی اما وضع به شکل دیگری بود . با ورود کالای ارزان چینی تولید داخل آسیب دید زیرا توان رقابت با ارزانی را نداشتند و دولت ها هم حمایتی از آنان نمیکردند زیرا طبق قوانین بازار آزاد عمل میکردند و قوانین بازار آزاد هم تماما به گفته های آدام اسمیت بود که یک اقتصاددان برجسته بود و او را پدر اقتصاد آزاد لقب داده بودند . بنا بر گفته ی او اگر کالایی وارداتش از تولید داخلی سهل تر و ارزان تر باشد کار درست واردات است تا تولید . زمانی در دنیا عقیده بر این بود که چون ایالات متحده و کشور هایی چون آلمان و انگلستان بنا بر گفته های آدام اسمیت به موفقیت اقتصادی رسیده اند پس ما نیز باید همان رویه را طی کنیم . در حالی که کشوری مثل آمریکا توان تولید اول جهان بعد از جنگ جهانی بود و طبیعی است که رقیبی در تولید در داخل یا خارج خود پیدا نکند . و انگلستان نیز مستعمرات گسترده ای داشت و بازار همان مستعمرات برای رشد و شکوفایی او کافی بود و آلمان هم بعد از جنگ جهانی دوم محوریت خود را تجارت با کشور های بالکان قرارداد که ده درجه از منظر توان تولید از آلمان جنگ زده عقب تر بودند و در دنیای جدیدی که چین با کاهش به اجبار ارزش پولش جذابیت صادرات ایجاد میکند عملا باید با نظریات آدام اسمیت خداحافظی کرد .

علاوه بر چین هند نیز این رویه ی اقتصادی را پیش گرفته و شاهد آنیم این دو قول آسیایی چگونه در میان تورم بالا و سقوط ارزش پول ملی توانستند بذر شکوفایی اقتصادی را بکارند

با توجه به این تجربیات موفق که به دور از اندیشه های غربی توانستند تورم را به عامل پیشرفت تبدیل کنند مقام معظم رهبری نیز ساز و کاری برای رشد اقتصادی طراحی و پیشنهاد نمودند .

ایشان میدانستند به علت تحریم ها و مشکلات ساختاری در اقتصاد دفع تورم بسیار زمانبر و سنگین است از اینرو در راهکاری تلاش نمودند با الگوی افزایش تولید صادرات را رونق داده و با وضع قوانین مالیاتی بر واردات از تولید کننده داخلی حمایت کنند . به طوری که چند سال پیایی را نام هایی در راستای رشد تولید نهادند.

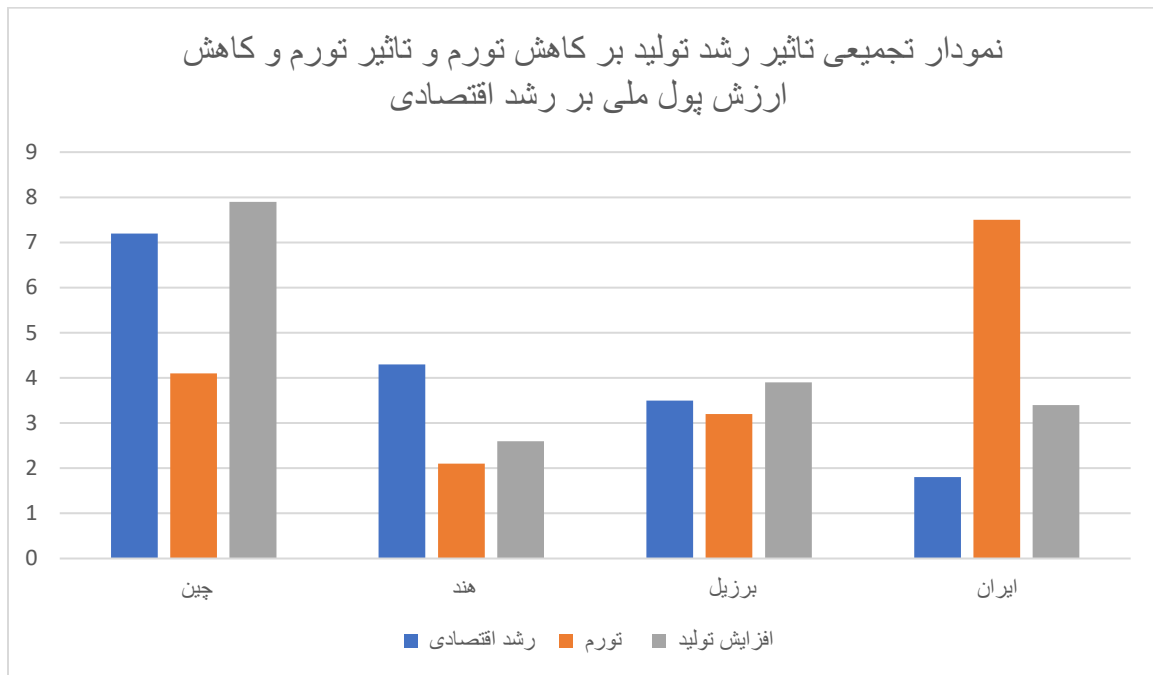
منویات مهم مقام رهبری پیرامون رشد تولید و گسترش تولید داخل

بحث امنیت شغلی که میشود، بیشترین مطلبی که غالباً مطرح میشود به عنوان ناامنی شغلی، همین قراردادهای موقت و مانند این حرفها است؛ قرارداد هایی که بین کارگر و کارفرما بسته میشود و مایه ی این است که امنیت پایدار شغلی وجود نداشته باشد؛ این [مطلب] گفته میشود و درست هم هست. یکی از مسائلی که باید اصلاح بشود و درست بشود و یک قانون عادلانه ای اینجا به وجود بیاید [همین است]. قانون عادلانه یعنی اینکه هم کارگر خیالش آسوده باشد، هم کارفرما و کارآفرین بتواند انضباط را در محیط کار تأمین کند؛ یعنی این جور هم نباشد که جوری رفتار بشود که بکلی بی انضباطی حاکم بشود؛ نه، باید هر دو طرف بتوانند بهره ببرند. لکن من میخواهم این را عرض بکنم که ناامنی شغلی فقط ناشی از این مسئلهی قراردادهای موقت نیست؛ عوامل دیگری هم وجود دارد که حالا من نمیخواهم بشمرم؛ من [فقط] روی یک عامل بخصوص میخواهم تکیه کنم و آن این است که «تولید ملی» وقتی که ضربه بخورد، کار و اشتغال کارگر هم ضربه خواهد خورد؛ این حتمی است. تولید ملی؛ اینکه ما این همه روی تولید ملی، تولید داخلی، محصول داخلی تکیه میکنیم، برای این است.

[مثلاً دربارهی] واردات و صادرات بیرویه؛ ببینید ما الان دهها میلیارد واردات داریم؛ خیلی از این واردات هم لازم است، یعنی یا مواد اولیه است یا وسایل، کارخانجات، ابزارهای یدکی و امثال اینها است؛ هیچ ایرادی به اینها نیست، با مطلق واردات کسی مخالف نیست؛ ما با واردات بیرویه مخالفیم، و نیز با قاچاق؛ حالا قاچاق یک بحث دیگر و مستقلاً است. واردات بیرویه یعنی چه؟ یعنی اینکه جنسی که در داخل تولید میشود، کیفیتش هم خوب است، مشابه این جنس را ما وارد کنیم؛ این خنجری است به قلب تولید کشور؛ حرف ما این است. اینکه بنده اصرار میکنم برای جلوگیری از واردات بیرویه، [به خاطر] این است... شما وقتی میروید خرید و جنس خارجی را ترجیح میدهید بر جنس داخلی، معنایش این است که دارید به نفع یک کارگر خارجی ضربه به یک کارگر داخلی میزنید. لذاست که من اصرار میکنم و تأکید میکنم بر اینکه ما بایستی از واردات بیرویه قطعاً جلوگیری کنیم؛ این مربوط به مسئولین است و آنچه هم مربوط به مردم است، این است که بروند دنبال جنس تولید داخل، محصول داخل؛ یعنی مقید باشند.

در این چند ساله بنده برای شعار سال «تولید» را عمدهتاً محور قرار دادم با یک قیدی، با یک خصوصیتی. علت هم این است که تولید کلید حل مشکلات اقتصادی کشور است. تولید ملی در واقع راه اصلی عبور از سختی ها و دشواری های اقتصادی برای کشور است. یعنی مهمترین مسائل اقتصادی کشور را مسئلهی تولید، رواج تولید ملی و رونق تولید ملی، حل میکند. طبیعت تولید این است. این است که ما روی تولید تکیه کردیم؛ یعنی رشد اقتصادی را افزایش میدهد، اشتغال ایجاد میکند، تورم را کاهش میدهد، درآمد سرانه را افزایش

میدهد، رفاه عمومی ایجاد میکند. علاوه بر این دارای تأثیرات روانی است؛ اعتماد به نفس ملی را بالا میبرد، احساس عزتمندی را در ملت به وجود میآورد. تولید، یک چنین حادتهی مهمی است تولید ملی، اگر انشاءالله به بهترین وجهی پیش برود. لذا ما در این چند سال روی مسئلهی تولید تکیه کردیم. بی تأثیر هم نبود، بحمدالله تأثیرات خوبی هم داشت. امسال هم من تولید را میخواهم مطرح کنم. منتها یک لایهی جدید، یک چهرهی جدید از تولید را میخواهم مطرح کنم و آن عبارت است از تولیدی که دارای دو خصوصیت باشد: یکی اینکه اشتغال آفرین باشد، یکی اینکه دانش بنیان باشد. تولید دانش بنیان، متکی به دانش، دانش جدید و پیشرفتهای علمی، و تولیدی که اشتغال آفرین باشد. البته همهی تولیدها اشتغال آفرین است منتها بعضی از تولیدها با اینکه سرمایه گذاری اش انبوه است، اشتغال آفرینی اش آنچنان نیست، لکن بعضی نه، اشتغال آفرین است که حالا من انشاءالله توضیح اینها را در سخنرانی فردا تا حدودی عرض خواهم کرد. اگر چنانچه ما تولید دانش بنیان را معیار قرار بدهیم و به دنبال تولیدی برویم که دانش بنیان باشد با خصوصیتی که عرض خواهم کرد انشاءالله در سخنرانی روز اول سال، به نظر میرسد که ما در همهی این هدفهای اقتصادی مان یک تکان خوب، یک حرکت رو به جلوی محسوسی انشاءالله خواهیم داشت.



همانطور که این نمودار بیان میکند مادامی که در شرایط تورمی نتوانیم تولید را از تورم پیشی دهیم رشد اقتصادی نزولی شده و تورم کاملاً نتیجه ی زیانبار و منفی روی اقتصاد میگذارد .

این دقیقاً نقطه ی عطف سخنان رهبريست که در شرایطی که نمیتوان تورم را مهار کرد با رشد تولید زیر سایه ی همان تورم میشود از رشد بیشتر ابر تورم جلوگیری کرد و رشد اقتصادی را با سرعت بیشتری رقم زد زیرا کاهش ارزش پول ملی برای صادرات کالای ما مسیر امن باز میکند و مرغوبیت خرید میان دیگر کشور ها پیدا میکند . متأسفانه با احتمال و عدم توجه به منویات ارزشمند رهبری و عدم تحقق برنامه های پیرامون شعار سال

تولید ملی با نرخ تورم همخوانی ندارد و این باعث میشود تورم با سرعت بیشتری رشد کند زیرا نقدینگی شناور در کشور در راستای تولید هزینه نمیشود و باعث رشد فزاینده و آزار دهنده تورم میشود .

نتیجه گیری و راهکار استفاده درست از شرایط تورمی با توجه به سوابق کشور های پیشرو و منویات مقام معظم رهبری .

با توجه به تعریفات گسترده و بررسی تورم و شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد های دنیا و توضیح چرایی عدم توفیق اقتصادی کشور ایران بهتر است با ارائه ی راهکار هایی در راستای اهداف شکوهمند ایران اسلامی و رهنمون های مقام معظم رهبری قدم برداشته و نقشه ی راه رفع مشکل عظیم اقتصادی کشور را ترسیم نماییم .

در شرایط تورمی کالای ساخت داخل هر آنچه که باشد برای دیگر کشور ها مرغوبیت دارد . با افزایش تولید به راحتی میتوان بازار کار مناسب را فراهم کرد . دانشگاه گلاسکو اسکاتلند در مقاله ای در سال ۲۰۱۱ بیان کرده است کشوری که تورم در آن بالای ۲۰ درصد است عملاً نرخ بیکاری آن باید صفر باشد زیرا افزایش تولید و بکارگیری نیروی کار در آن اجتناب ناپذیر است زیرا درخواست کالا و گردش پول خارجی در آن این امر را میسر میکند .

در ایران اما این با توجه به تاکید رهبر معظم انقلاب به تولید این امر میسر نمیشود و نرخ تعسیر ارز حاصل از صادرات نفتی و غیر نفتی بجای هزینه شدن در تولید و اشتغال به واردات کالای دیگر اختصاص داده میشود و همین امر تورم را تشدید میکند زیرا خروج سرمایه از یک سو جریان دارد و گردش پولی صورت نمیگیرد. این موضوع که رهبر معظم انقلاب به آن تاکید میکند دقیقاً در همین جهت است زیرا تورم خواسته یا ناخواسته در کشور وجود دارد در این شرایط حداقل میتوان از تولید و اشتغال بهره برد و روند رشد تورم را هم با جلوگیری از خروج ارز کند کرد . در ابتدا باید تمامی کالا های وارداتی را طبقه بندی کرد و از واردات کالای بی جهت جلوگیری نمود و اگر نیازی نیز به واردات بود از کشوری این واردات انجام شود که علاقه مند به تهاتر کالاست در بازار تهاتری پولی رد بدل نمیشود و کالای ما با کالای مورد نیاز مبادله میشود با این کار هم کالای مورد نیاز وارد میشود هم کالای ما به فروش به ارزش منصفانه میرسد و چرخ تولید میگردد.

بازار تولیدات مشترک نیز خود عامل سود آفرینیست که در شرایط تورمی کالایی دارد. فرض کنید کشور ما توان تولید یک محصول سنتی را ندارد اما دو محصول حیاتی برای آن صنعت را تولید میکند . حال کشوری که دارای آن صنعت است به ایران میاید و کارخانه ی تولید آن صنعت را به پا میکند و آن دو محصول حیاتی که ما تولید میکنیم هم میخرد و از نیروی کار ارزان و با کیفیت ما استفاده میکند و صادرات خود را از کشور ما رهبری میکند . در کشور ما اما کاملاً برعکس عمل میشود . ما بخاطر این امر که تو جنس اساسی از یک صنعت را میسازیم عملاً وارد تولید آن صنعت میشویم و دست نیاز به واردات دیگر کالا ها دراز میکنیم و در شرایط تورمی قیمت آن واردات به حدی بالا میرود که عملاً بحث تولید به سربار تجارت و عامل عقب ماندگی تبدیل میشود مانند صنعت خودرو سازی که

خود تبدیل شده به گرداب سوزاندن ارز واردات و محصول نهایی در حدی است که محصول خارجی بدان ارجحیت دارد. این نگاه کاملاً در تضاد با نگاه و چشم انداز مد نظر رهبری است و تا تولید و واردات از بعدی دیگر که بیان شد اصلاح نشود نمیتوان امیدی به بهبود تولید و اقتصاد داشت.

منابع خارجی

International Monetary Fund– Ceyda Oner is a deputy division chief in the IMF’s Finance Department. ۲۰۲۰

How Does Inflation Affect the Exchange Rate Between Two Nations? Investopedia – Charles Potters– June ۰۹, ۲۰۲۳

Will faster economic growth make us happier? The relevance of the Easterlin Paradox to Progress Studies----Michael Plant | June ۲۰۲۲

Inflation Is Still High. What’s Driving It Has Changed. By Jeanna Smialek and Christine Zhang---
April ۲۷, ۲۰۲۳

Remarks by Christine Lagarde, President of the ECB, at the G۳۰ dinner in Amsterdam ---۲۰۲۱

Cost of living latest insights (Latest release)

Article | Released on ۱۶ June ۲۰۲۳

منابع داخلی

سرآبادانی، غلامرضا. (۱۳۸۵). تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران. اقتصاد اسلامی،

سرآبادانی غلامرضا. تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران. اقتصاد اسلامی. ۱۳۹۰

غلامرضا سرآبادانی، "تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران"، اقتصاد اسلامی، ۱۴۰۰

فرنقی، الهام، پریور، اورانوس، و توفیقی، حمید. (۱۳۹۳). تورم، نااطمینانی تورم، و رشد تولید در ایران. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار،

الهام فرنقی، اورانوس پریور، و حمید توفیقی، "تورم، نااطمینانی تورم، و رشد تولید در ایران"، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۱۳۹۶

سهیلی، کیومرث، الماسی، مجتبی، و سقایی، مریم. (۱۳۹۱). ارزیابی اثر تورم انتظاری، رشد نقدینگی، تورم وارداتی، شکاف تولید و نرخ ارز بر نرخ تورم در ایران. پژوهشنامه اقتصاد کلان (پژوهشنامه علوم اقتصادی)، ۱۳۹۵

اصغرپور حسین، برقی اسکویی محمدمهدی، سلمانی بهزاد، جلیلی مرند علیرضا. بررسی تاثیر هدف گذاری تورم بر نرخ تورم در کشورهای غیرصنعتی. روند (روند پژوهش های اقتصادی) ۱۳۹۹

امیری هادی، چشمی علی. محاسبه هسته تورم در ایران. جستارهای اقتصادی. ۱۳۹۸

مهدی تقوی، و سیداحمد غروی نخجوانی، "تورم رکودی در اقتصاد ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴۰۰

منویات مقام معظم رهبری در دهه ی اخیر